

۴ در آغاز صحبت لطفاً خودتان را برای خوانندگان معرفی کنید و مختصری از بیوگرافی خود را بفرمایید.

ناصر صامت متولد ۱۴ شهریور ۱۳۴۸ در شهر کاشان هستم

در سال ۱۳۷۳ در رشته مهندسی تکنولوژی نساجی از دانشگاه آزاد اسلامی کاشان فارغ التحصیل شدم. البته قبل از فراغت از تحصیل و از سال ۱۳۷۱ که دو سال از درس دانشگاه باقی مانده بود وارد صنعت نساجی شدم و کارم را آغاز کردم. البته این دو سال به صورت پاره وقت کار می کردم و صرفاً برای بدست آوردن تجربه عملی در این صنعت کار می کردم.

امسال سی و یک سال است که در کارخانجات مختلف نساجی و در سمتهای مختلف انجام وظیفه نموده ام. در طول دوران کاری خود به دلیل اینکه اطلاعات علمی خود را نیز به روز کنم، به تحصیل ادامه داده و کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت MBA اخذ نمودم.

۴ در مورد ورود به صنایع نساجی و فعالیت های مختلفی که تا کنون در این صنعت داشته اید؛ توضیحاتی ارائه نمایید.

به واسطه شغلی که پدرم داشت - یکی از مدیران بانکی در کاشان - با بسیاری از صنعتگران نساجی از جمله زنده یادان تفضلی و لاجوردی آشنایی داشتند و من نیز دوران تحصیل راهنمایی و دبیرستان به همراه ایشان بازدیدهایی از شرکت های ریسندگی و بافندگی کاشان و شرکت مخمل و ابریشم کاشان و چندین شرکت نساجی داشتم.

مشاهده مراحل مختلف تولید نخ، پارچه و فرش بافی با صنعت نساجی آشنایی نسبی پیدا کردم، همین موضوع باعث شد که به تحصیل در رشته نساجی سوق داده شوم و سپس به اشتغال در کارخانجات مختلف صنعت نساجی پردازم و از این انتخاب خود خشنودم.

ورود من به صنعت نساجی به سال ۱۳۷۱ بر می گردد. همانگونه که می دانید متأسفانه در دانشگاه ها فقط دروس به صورت تئوری تدریس می گردد و کسی که در رشته های فنی و مهندسی تحصیل می کند و قصد کار حرفه ای در صنعت را داشته باشد، باید آموخته های دانشگاهی خود را به صورت عملی در صنعت مربوطه خود به کارگیرد و تجربیات عملی و علمی خود را روز به روز بالا ببرد.

با این رویکرد بود که در سال ۱۳۷۱ در حالی که هنوز



سختی ها می گذرند

گفت و گو با مهندس ناصر صامت - مدیرعامل شرکت مخمل و ابریشم کاشان

تهیه و تنظیم: مینا بیانی

اشاره:

تأکید می کند: «هیچ راهی در صنعت به بن بست ختم نمی شود، صنعت نساجی نیز از این امر مستثنی نیست. حتی سخت ترین و بدترین شرایط پیش بینی نشده ای که برای این صنعت پیش می آید، نیز گذرا هستند و با توکل به خداوند و ایستادگی در مقابل مشکلات می توان در مسیر رشد و توسعه حرکت کرد.»

مدیرعامل شرکت مخمل و ابریشم کاشان می افزاید: «تفضلی ها و لاجوردی ها بسیار مرارت و سختی کشیدند تا این مجموعه ها ایجاد و ادامه حیات بدهند. این کارخانه ها امانتی است که از آن بزرگواران به ما رسیده باید امانتداران خوب و مفیدی باشیم و آنها را به دست نسل بعدی خود بسپاریم.»



دو سال از تحصیلاتم در رشته نساجی باقی مانده بود، به صورت پاره وقت در شرکت ریسندگی گهر تاب کاشان کار را آغاز نمودم.

از آن زمان بود که به صورت عملی و جدی وارد صنعت نساجی شدم. بعد از فراغت از تحصیل در شرکت ریسندگی و بافندگی فخر ایران مشغول به کار شدم که بخشی از مدت زمان کاری من در آن شرکت جزء خدمت سربازی محسوب می شد.

از سال ۱۳۷۵ در شرکت نساجی کاشان به عنوان سرپرست واحد ریسندگی استخدام شدم. (شرکت نساجی کاشان زیر مجموعه شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان است).

نظر به اینکه علاقه من بیشتر در زمینه بازرگانی در این صنعت بود و تجربه آن را هم در شرکت فخر ایران داشتم، لذا پس از گذشت نزدیک به ۸ سال از شروع به کارم در این شرکت، به عنوان مدیر تدارکات و پشتیبانی شرکت نساجی کاشان منصوب شدم.

در سال ۱۳۸۹ و در اوج اعتصابات کارگری که بیش از شش ماه ادامه پیدا کرده بود، کلیه اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل وقت شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان و به تبع آن شرکت زیر مجموعه یعنی شرکت نساجی کاشان استعفا دادند و مجموعه به سمت تعطیلی و انحلال پیش می رفت.

در این زمان بنابه پیشنهاد فرماندار محترم وقت کاشان قرار شد که از مدیران اصطلاحاً پروازی و بیرونی

استفاده نشود و از پرسنل و مدیران داخلی شرکت کمک بگیرند تا شاید بتوان برای این مجموعه عظیم کاری کرد.

در این شرایط بود که بنا به توصیه و صلاحدید برخی از مسئولین شهری، از اوایل سال ۱۳۹۰ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان منصوب شدم. ضمناً به دلیل اجرای سیاستگذاری واحد در شرکت زیر مجموعه، همزمان سرپرستی شرکت نساجی کاشان نیز به بنده محول شد. در این دوره تعدادی از همکارانم که سالها در این دو شرکت سابقه کار داشتند به عنوان اعضای هیئت مدیره انتخاب شدند و همکاری های بی دریغی در جهت بهبود وضعیت شرکت داشتند.

در اولین روز شروع به کار در سمت مدیرعامل شرکت، تصمیم بر این شد که کارگران را که همچنان در اعتصاب به سر می بردند، در سالن اجتماعات جمع کنیم تا با صحبت کردن با آنها، شاید بتوانیم به اعتصاب کارگران خاتمه داده و کار و تولید در شرکت شروع شود.

با توجه به اینکه در آن زمان حدود شانزده سال سابقه کار در این شرکت داشتم و کارگران مرا کاملاً می شناختند، لذا به سرعت در سالن جمع شدند و با اندکی تنش که توسط برخی از کارگران ایجاد شد، اعتصاب شش ماهه کارگران شکسته شد و بدون اینکه پولی در ابتدای کار به آنها پرداخت شود،

ماشین ها را استارت زدند.

این حرکت نقطه عطفی در فعالیت تولیدی شرکت بود و با تدابیری که اندیشیده شد، دیگر شاهد اعتصاب کارگری در این شرکت نبودیم.

پس از دو سال کار و فعالیت شبانه روزی، در حالیکه واحدهای ریسندگی، بافندگی و رنگرزی و تکمیل شرکت فعال و با ظرفیت مطلوبی کار می کرد، به دلیل حجم فشارهای کاری و تنشهای عصبی وارده بیش از حد، دچار بیماری شدم و از سمت خود کناره گیری کردم ولی همچنان در شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان به عنوان مدیر بازرگانی و مشاور هیئت مدیره مشغول به کار بودم. در سال ۱۳۹۵ به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت خدمات پنبه و الیاف نساجی ایران انتخاب شدم.

در آن مقطع زنده یاد مهندس دانائی - از بزرگان صنعت نساجی کشور - ریاست هیئت مدیره این شرکت را به عهده داشتند. که بعد از فوت ایشان در اثر ابتلاء به کووید ۱۹، بنده به عنوان رئیس هیئت مدیره آن شرکت انتخاب شدم.

از اوایل سال ۱۳۹۸ از سوی مدیریت گروه توسعه ملی که سهامدار عمده شرکت مخمل و ابریشم کاشان است و سه کرسی از پنج کرسی هیئت مدیره را در اختیار دارد، به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب شدم سپس از ابتدای سال ۱۴۰۰ به عنوان رئیس هیئت مدیره و پس از آن از اوایل سال ۱۴۰۱ به عنوان



مدیرعامل و نایب رئیس هیئت مدیره انتخاب شدم و تا کنون کارم را در این شرکت ادامه داده ام. در اینجا لازم می دانم خاطره ای را در باره کارکرد خودم در دو شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان و شرکت مخمل و ابریشم کاشان برای خوانندگان ذکر کنم. هنگام فارغ التحصیلی از دانشگاه در سال ۱۳۳۳، پدرم نصیحتی به من کرد، ایشان گفتند: «آقایان لاجوردی و تفضلی، بزرگترین خدمت را برای اشتغال زایی مردم در کاشان کرده اند و سفره ای را گسترده اند که اگر کسی در این شهر اهل کار و فعالیت باشد، بیکار نمی ماند. پس امروز به عنوان یک مهندس نساجی وظیفه داری هر کاری که برای رونق این کارخانه ها از عهدهات بر می آید بدون کوچکترین منعی باید انجام دهی. قهرمانی از خدمت بزرگ آنها همین است و بس» این جمله و نصیحت پدرا نه تا کنون همیشه آویزه گوشم بوده و سعی کردم در هر سمتی که در این شرکتها بوده ام، بیش از وظیفه ام کار کنم و جای خوشبختی است که دوستان و همکاران به این موضوع اذعان دارند.

۴ لطفاً تاریخچه ای از صنعت نساجی در کاشان را به اختصار برای خوانندگان توضیح دهید.

همان طور که می دانید قدمت صنعت نساجی در شهر کاشان، با توجه به دست بافته هایی که از کاوش های تپه های سیلک بدست آمده قدمتی هفت هزار ساله دارد.

کشفیاتی چون پارچه و فرش دستبافت و دوک های ابتدائی مربوط به ریسندگی و پارچه بافی در این محل، بیانگر آشنایی و پیشرو بودن مردم این منطقه از دوران کهن و تاریخی با صنعت نساجی است.

این روند در طول ادوار مختلف ادامه یافته و برای سالیان بسیار طولانی واحدهای تولید پارچه و انواع مخملهای زر بافت و طرح دار به صورت سنتی و دستی تولید و به بازار مصرف ارائه می شده است.

در دوران معاصر زنده یاد حاج حسن تفضلی که به عنوان پدر نساجی ایران لقب گرفته اند، در سال ۱۳۱۱ ساخت یک کارخانه نخی رسی، با کمک و سرمایه گذاری تعدادی از تجار خوشنام کاشان و با سرمایه اولیه ۲۲۰ هزار تومان را شروع کرد. این کارخانه در سال ۱۳۱۳ به بهره برداری رسید و نام «شرکت ریسندگی و

بافندگی کاشان» بر آن نهاده شد و با شماره ۵ در اداره ثبت شرکتها به ثبت رسید.

این شرکت در واقع اولین واحد تولیدی در کشور محسوب می شود که نساجی را از حالت سنتی و دستی خارج کرده و به شکل صنعتی و مدرن تبدیل نموده است. در طول ۲۰ سال گذشته این مجموعه عظیم تولیدی دچار بحران ها و بحران زائی هایی بوده که خوشبختانه با پشتکار مدیران، پرسنل و مسئولین اجرایی شهرستان کاشان، بحران ها مهار شد و در حال حاضر بیش از ۶۰۰ نفر در این شرکت مشغول به کار هستند. در این رابطه فیلم مستندی با نام «شماره پنج» اخیراً تولید شده که بحران در این شرکت را از نگاه دوربین بدون هیچگونه قضاوتی روایت کرده است.

به تبع تاسیس این شرکت، زنده یاد آقای لاجوردی کارآفرین بزرگ دیگری که در کاشان حضور داشت، با کمک مرحوم حاج حسن تفضلی در سال ۱۳۲۹، کارخانه نساجی دیگری را در این شهر تاسیس نمود. با توجه به اینکه مخمل بافی سنتی در کاشان بسیار رواج داشته و این شرکت قصد داشت که مخمل بافی را از تولید دستی و سنتی به تولید صنعتی تبدیل کند، لذا نام کارخانجات مخمل و ابریشم کاشان بر آن نهاده شده و با شماره ۳۸ در اداره ثبت شرکتها به ثبت رسید. این دو شرکت برای سالیان متمادی در منطقه کاشان و شهرهای اطراف محل کار و ارتزاق اکثر مردم قرار گرفت به گونه ای که مجموع پرسنل شاغل در این دو شرکت در اوائل پیروزی انقلاب بالغ بر ده هزار نفر بود که با توجه به جمعیت آن زمان کاشان، درصد بالائی از حجم اشتغال کاشان را به دوش می کشیدند.

با این شرایط، حداقل یک نفر از اعضای هر خانواده کاشانی در یکی از این دو شرکت شاغل بوده اند، بدین لحاظ از نظر اجتماعی این دو شرکت نفوذ زیادی در فرهنگ مردم منطقه داشتند.

از دیگر شرکت های مهم و بزرگ نساجی در این منطقه دو شرکت صنایع راوند و نساجی کاشان را میتوان نام برد. موسس شرکت صنایع راوند نیز مرحوم لاجوردی بود. این شرکت در زمان تاسیس (۱۳۵۲) بزرگترین مجموعه تولید فرش ماشینی خاور میانه بوده است که متأسفانه سالها پیش تعطیل شد. شرکت نساجی کاشان با سرمایه گذاری شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان تاسیس گردید که از سال ۱۳۵۲ به بهره برداری رسید

و کما کان مشغول به فعالیت می باشد.

لازم به ذکر است که از همان زمان موسسین هر دو شرکت بر اهمیت اطلاع از دیگر هم صنفان و اطلاعات تجاری از بازار را درک نموده اند و به همین دلیل در سال ۱۳۴۰ سندیکای نساجی ایران را تاسیس نموده اند که بعدها به نام «انجمن صنایع نساجی ایران» تغییر نام داده شد. شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان عضو شماره یک و شرکت مخمل و ابریشم کاشان عضو شماره دو این انجمن هستند.

این انجمن در حال حاضر قدیمی ترین انجمن مردم نهاد ایران است که همچنان به فعالیت خود ادامه می دهد. با توجه به این رویکرد تاریخی این منطقه و آشنائی مردم منطقه فرهنگی کاشان نسبت به صنعت نساجی، باعث شد که پس از انقلاب، کارآفرینان و صنعت گران منطقه با تاسیس کارخانجات کوچک و بزرگ زیادی در زمینه های مختلف ریسندگی، بافندگی، فرش بافی، تکمیل و به صنعت نساجی روی آورند و بیش از پیش باعث رونق این صنعت گردیده اند. سابقه تاریخی این شهر در صنعت نساجی و ادامه آن تا عصر حاضر باعث شد که سازمان یونسکو در سال ۱۴۰۲ بعنوان شهر جهانی نساجی سنتی انتخاب گردید.

۴ می توانید تصویری از وضعیت شرکت مخمل و ابریشم کاشان از دیروز تا امروز را برای خوانندگان ترسیم نمایید؟

شرکت مخمل و ابریشم کاشان در سال ۱۳۳۹ به همت زنده یاد لاجوردی و با همکاری و همراهی زنده یاد تفضلی تاسیس شد.

این مجموعه در زمان اوج فعالیت تولیدی خود، انواع نخ در سیستم الیاف کوتاه و الیاف بلند، انواع پارچه های حریر، شبه فاستونی، انواع مختلف مخمل و فرش ماشینی را در سبد محصولات خود داشته است.

پس از وقوع انقلاب اسلامی، این مجموعه مانند اکثر کارخانه های بزرگ کشور مصادره و مدیریت آن به مجموعه های دولتی واگذار گردید. مرحوم لاجوردی در این شرایط مجبور به ترک ایران شد و از همان سالها سیر نزولی کارخانه آغاز شد. لیکن بدلیل اینکه شرکت از نظر نقدینگی و بنیه اقتصادی قوی بوده، لذا این دوران مدت زمانی به طول می انجامد و ظاهراً

همه امور به خوبی پیش میرفته است غافل از اینکه شرکت از درون در حال فرو پاشی است. در نهایت به شرایطی می‌رسد که جهت تامین هزینه‌های روزمره و جاری شرکت، توسط هیئت مدیره وقت تصمیم گرفته می‌شود که شرکت را از محل استقرار خود به محل انبارهای مرکزی آن منتقل کنند تا مقدار متناهی زمین‌های ارزشمند آن آزاد سازی گردد. لذا از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ ماشین آلات قدیمی و فرسوده آن را که باید سال‌ها پیش با ماشین آلات مدرن جایگزین می‌شد را به انبارهای مرکزی شرکت منتقل نمودند. زمین‌های شرکت تدریجاً به فروش رفت بدون اینکه کارگران شاهد جایگزینی یک ماشین به روز و مدرن باشند.

دوران زیان دهی شرکت شروع شد و از بورس هم خارج شد. در چند سال گذشته به جهت جلوگیری از تعطیلی و انحلال، شرکت با همان ماشین‌آلات فرسوده خود کار تولید را به سختی و با زیان انجام داده است تا شاید افرادی بتوانند از قطع تولید و تعطیلی کامل آن و حذف یک برند ملی در صنعت نساجی که عمر آن به ۷۵ سال نزدیک می‌شود، جلوگیری کنند.

۴ نوع شرکت سهامی عام یا خاص است؟ در حال حاضر سهامداران شرکت چه کسانی هستند؟ شرکت مخمل و ابریشم کاشان از همان ابتدا سهامی عام بوده است و در مقاطعی تعداد زیادی از پرسنل

شرکت نیز سهامدار این مجموعه بوده اند. اما در حال حاضر سهامداران اصلی و با نفوذ آن دو شرکت هستند: شرکت سرمایه گذاری گروه توسعه ملی به عنوان سهامدار اصلی کارخانه (از زیرمجموعه های بانک ملی) که مالکیت حدود ۶۰ درصد از سهام شرکت را دارد و همچنین شرکت سرمایه‌گذاری تجاری شستان (وابسته سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح) با حدود ۳۷ درصد از سهام شرکت و ۳ درصد باقیمانده از اشخاص حقیقی و حقوقی مختلفی تشکیل گردیده است.

ترکیب هیئت مدیره با پنج عضو در مجمع عمومی تعیین و تکمیل میگردد، که سه عضو آن توسط گروه توسعه ملی و دو عضو دیگر توسط شرکت سرمایه گذاری تجاری شستان انتخاب و منصوب می‌گردند.

***وضعیت این روزهای شرکت مخمل و ابریشم کاشان چگونه است؟**

سوال خوبی پرسیدید تا خوانندگان گرامی به آینده این شرکت که بخشی از تاریخ نساجی ایران و هویت شهر کاشان می باشد، امیدوار شوند. امروز با توجه به رویکرد توسعه محور سهامدار عمده شرکت، طی چند سال اخیر اقدامات مهمی در جهت توسعه و به روزرسانی شرکت انجام گرفته است.

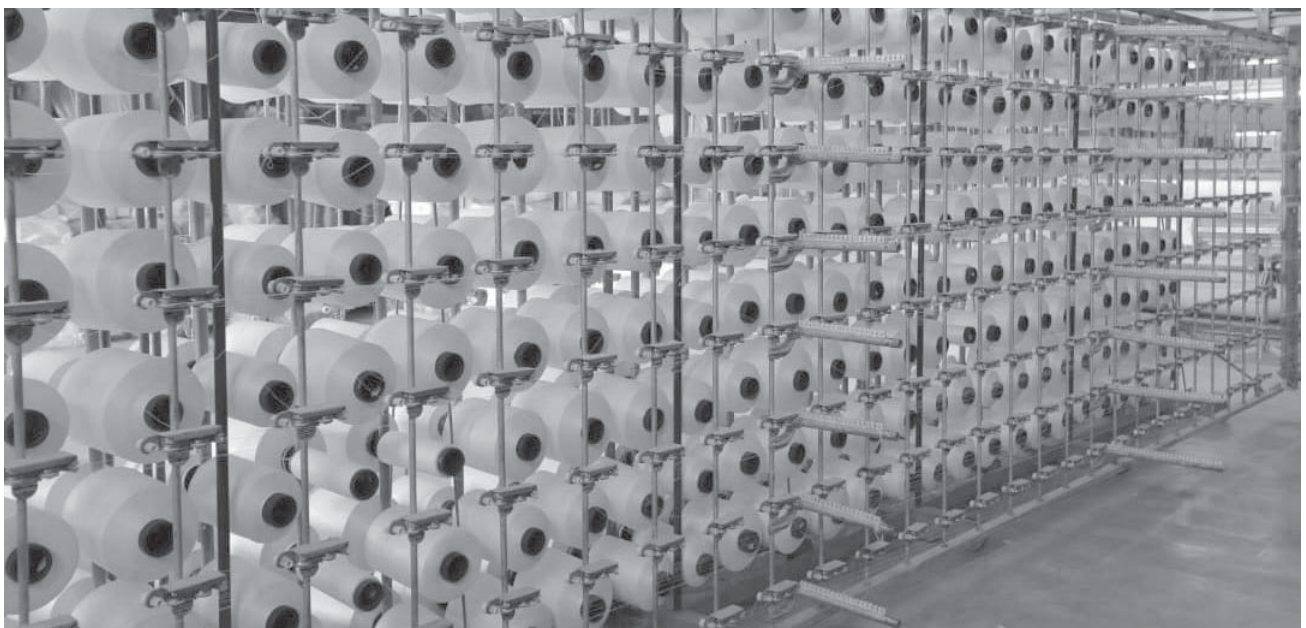
در این سال‌ها هیئت مدیره با پشتیبانی گروه توسعه ملی، تلاش‌های فراوانی جهت احیاء و بهبود کارخانه

مخمل و ابریشم کاشان به عمل آورد و با همین رویکرد از سال ۱۴۰۱ اقداماتی در راستای اجرای طرح‌های توسعه‌ای را انجام داده است.

لازم به یادآوری است که حدود ۲۵ سال گذشته عملیات تولیدی کارخانه مخمل و ابریشم کاشان زیان‌ده بود و به منظور خروج از این وضعیت نیاز به حدود ۱۷۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری جهت راه اندازی و توسعه مجدد تولید دارد.

بدیهی است که با این شرایط هیچ سهامداری ریسک این سرمایه گذاری عظیم را نمی تواند بپذیرد. لذا هیئت مدیره وقت، طرح توسعه‌ای در چندین فاز مختلف (اعم از ریسندگی الیاف کوتاه و بلند، پارچه بافی، مخمل بافی، قالی بافی، تکمیل پارچه‌های حریر و مخمل و دوزندگی) تهیه و به سهامدار عمده شرکت ارائه نمود. از محاسن اینگونه طرحها این است که سرمایه گذاری در بخشهای مختلف آن بدون وابستگی به سایر بخشهای طرح توسعه، قابل اجراست. بدین لحاظ سهامدار نباید سرمایه گذاری کلانی انجام دهد در نتیجه حجم و ریسک سرمایه گذاری به شدت کاهش می‌یابد.

خوشبختانه طرح توسعه کارخانه که در ۹ فاز مختلف طراحی شده مورد توجه سهامدار عمده شرکت قرار گرفت و فاز نخست با اخذ پرفورمای تعداد ۲۴ دستگاه ماشین بافندگی از یک شرکت اروپایی آغاز گردیده است.





این گروه قریب ۲۰۰ شرکت کوچک و بزرگ از جمله چندین مجموعه پتروشیمی و سیمان را در اختیار دارد که شاید در این حجم گسترده از فعالیت، مخمل و ابریشم کاشان به چشم نیاید اما به راستی برای ساماندهی کارخانه وقت گذاشتند و حمایت خود را از ما دریغ نکردند. انشاءالله بزودی کارخانه پس از ۲۵ سال از زیان عملیاتی خارج و سودآور خواهد شد و این برند که در آستانه هفتاد و پنجمین سال تاسیس خود قرار دارد، به نحو مطلوبی احیا خواهد شد.

امروزه بسیاری از سازمان‌ها تلاش می‌کنند قائم به فرد نباشد و در صورت بازنشستگی، مهاجرت، ترک کار و ... بنیانگذار یا مدیران ارشد، سازمان بدون مشکل و وقفه به فعالیت ادامه دهد. در شرکت مخمل و ابریشم کاشان تا چه میزان این موضوع مدنظر قرار می‌گیرد؟ اگر آقای مهندس صامت به هر دلیلی این مجموعه را ترک کند؛ آیا شیرازه کار از هم می‌پاشد یا خدای ناکرده شاهد اعتصابات کارگری خواهیم بود؟ یا به عنوان مدیرعامل مهره‌ها را به نحوی کنار هم‌دیگر قرار داده‌اید که در صورت خروج شما از مجموعه، اختلالی در روند تولید به وجود نیاید؟

در دنیای امروز اگر شرکتی قائم به فرد باشد، دیر یا زود محکوم به نابودی است. لذا در این شرکت برای پرهیز از اتکا به فرد و دخیل کردن همه ذینفعان در کارخانه

تریلی‌های حامل ماشین‌آلات جدید با وارد کارخانه شد، بعضی از کارگران قدیمی با دیدگان اشک‌آلود از ما تشکر کردند و گفتند: «طی ۲۵ سالی که در این کارخانه کار می‌کنیم، هیچ‌گاه شاهد ورود ماشین‌های جدید و به روز نبودیم و مدیران وقت، فقط دارایی‌های کارخانه را می‌فروختند و حقوق ما را می‌دادند». این درک و فهم کارگران از شرایط موجود کارخانه بسیار قابل توجه و ارزشمند است و تمام خستگی‌های دو ساله ما در هیئت مدیره شرکت را از بین برد.

مراحل آماده‌سازی‌های قبل از نصب ۱۴ دستگاه بافندگی مذکور در حال اجراست و به امید خداوند تا سه ماه آینده در مدار تولید قرار خواهند گرفت و شاهد بافت پارچه‌هایی با طرح‌های جدید و کیفیتی بسیار مرغوب و مورد پسند بازار خواهیم بود.

لازم است ذکر کنم که شرکت این ۱۴ ماشین بافندگی را جایگزین تعداد ۱۴ دستگاه از ماشین‌آلاتی نموده که سال ساخت آنها به ۱۹۷۵ میلادی بر می‌گردد، که جهش بسیار بلندی است.

در اینجا لازم میدانم که قدردان همراهی و همکاری ارزشمند و موثر اعضای هیئت مدیره شرکت و مدیریت و اعضای هیئت مدیره گروه توسعه ملی (سهامدار عمده کارخانه) و هلدینگ نگاه پویا باشم.

پشتیبانی گروه توسعه ملی، از این شرکت بدون شک نقش مهمی در حفظ و تداوم تولید مجموعه ایفا نموده است.

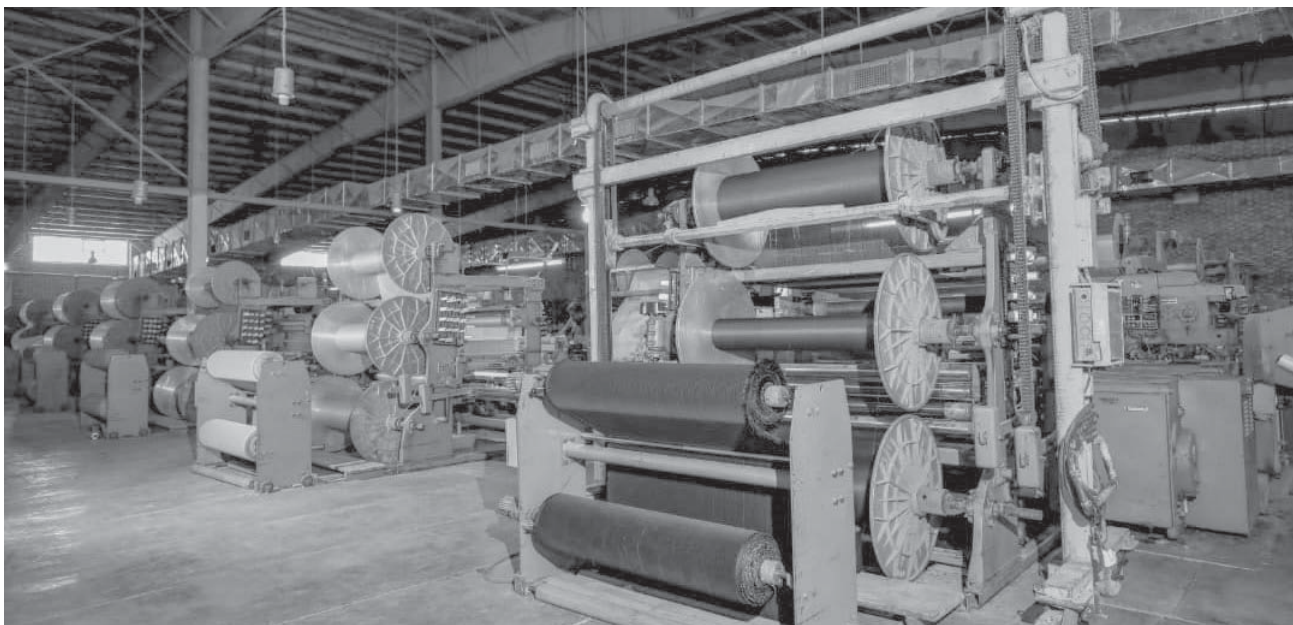
نظر به اینکه انعقاد قرارداد و ساخت و انتقال ماشین‌آلات مذکور حدود دو سال زمان می‌برد، لذا به منظور حفظ موجودیت شرکت و خروج آن از زیان عملیاتی، هیئت مدیره تصمیم به خرید تعداد ۱۴ دستگاه ماشین بافندگی پیکانول (با سال ساخت ۲۰۱۶) گرفت. به این منظور در بازدید از نمایشگاه ITM ترکیه، با تعدادی از سازندگان ماشین‌آلات بافندگی مذاکراتی انجام شد و متعاقب آن چندین کارخانه بافندگی در شهرهای استانبول و بورسا و همچنین چند کارخانه داخلی که قصد فروش ماشین‌آلات بافندگی خود را داشتند مورد بازدید قرار گرفت.

در نهایت پس از بررسی‌های فنی توسط متخصصین فنی این ماشین‌آلات، شرکت مخمل و ابریشم کاشان توانست تعداد ۱۴ دستگاه ماشین بافندگی پیکانول با سال ساخت ۲۰۱۶ را انتخاب و خریداری نماید.

این ماشین‌ها در میان ناباوری پرسنل شرکت در مرداد ماه سال جاری وارد کارخانه شد.

البته لازم به ذکر است که برخی از کارگران با تحریک بدخواهان شرکت که روزگاری خودشان در شرکت مسئولیت داشته‌اند، در ابتدای کار حواشی فراوانی ایجاد کردند ولی از آنجا که ما به تصمیم خود اعتقاد داشتیم، کار خود را با قوت ادامه دادیم و حواشی ایجاد شده به تدریج از بین رفت.

هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم کارگران از خرید ماشین‌آلات جدید به شادی استقبال کنند، به طوری که وقتی



در تصمیم‌گیری‌ها، سرپرستان و مدیران کارگاه‌های بافندگی، چاپ و تکمیل، تأسیسات، بویلر، اداری، مدیر مالی و ... دو هفته یکبار در قالب جلسات همفکری دور هم جمع می‌شوند و انجام هیچ کاری را به صورت انحصاری مورد پیگیری قرار نمی‌دهم.

حتی مراحل نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات جدید که بسیار حساس و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق هستند نیز تفویض اختیار شده است تا در صورت تغییر مدیر ارشد، حرکت کلی مجموعه دچار توقف یا اختلال نشود.

در حال حاضر ریل‌گذاری مناسب و منطقی برای رشد و توسعه کارخانه انجام شده که بخشی از فاز نخست آن در حال اجراست، طبعاً در این شرایط هر مدیرعاملی که بعدها وارد مجموعه شود و قصد و نیت او هم احیای برند کارخانجات مخمل و ابریشم کاشان را داشته باشد، نهایتاً ممکن است مراحل اجرای طرح توسعه را تغییر دهد ولیکن اجرای کلی طرح تداوم خواهد یافت و این‌گونه نیست که جهت حرکت رو به رشد شرکت را به طور کامل معکوس کند و یا کارخانه را بی‌نیاز از طرح‌های توسعه‌ای بداند. چون در مدرن‌ترین واحدهای تولیدی نیز پس از یکسال باید طرح‌های توسعه‌ای انجام شود.

❖ به بازدید از کارخانه‌های بافندگی ترکیه جهت خرید ماشین‌آلات اشاره کردید. ممکن است در صورت امکان مقایسه‌ای میان آنها و واحدهای

مشابه در ایران انجام دهید. آیا دنیای نساجی کشور ما فاصله بسیاری با نساجی ترکیه دارد؟ آیا دلیل رشد و توسعه صنعت نساجی ترکیه را صرفاً باید در حمایت‌های دولتی جست‌وجو کرد؟

به نکته بسیار خوبی اشاره کردید، متأسفانه باید بگویم که تا کنون سیاست دولت‌های مختلف در جهت جذب سرمایه‌گذاران خارجی در این صنعت نبوده است. به یاد دارم که اواخر دهه ۶۰ یکی از ایرانیان خارج از کشور تصمیم داشت در صنعت نساجی کشور سرمایه‌گذاری عظیمی انجام دهد.

متأسفانه دولتمردان وقت با وی همکاری نکردند ولی ترکیه سریعاً او را جذب کرد و در این کشور سرمایه‌گذاری نمود آن هم در شرایطی که هنوز ترکیه در صنعت نساجی هیچ حرفی برای گفتن نداشت. به همین راحتی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و پیشرفت صنعت نساجی را از دست می‌دهیم. البته نگاه به سرمایه‌گذاران و کارآفرینان داخلی هم چندان مناسب نیست و سیاست‌گذاران کشور در بخش صنعت، تامین اجتماعی، امور مالیاتی و ... کارآفرینان را در مقابل خود می‌بینند نه در کنار خود.

در یکی از کارخانه‌های نساجی ترکیه که از آن بازدید کردم، ۲۰۰ دستگاه بافندگی پارچه مربوط به سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲ نصب شده بود. فقط دو ماشین متعلق به سال ۲۰۱۶ بود.

مدیر کارخانه در پاسخ به این سوالم که چرا فقط دو

دستگاه مربوط به سال ۲۰۱۶ در کارخانه موجود است. گفت: «از مجموع ۲۴ ماشین سال ۲۰۱۶، تعداد ۲۲ دستگاه را فروخته‌ایم و این دو ماشین به دلیل ایرادات فنی به فروش نرفته‌اند که پس از رفع عیوب، فروخته و ماشین‌های ۲۰۲۴ جایگزین آنها خواهند شد. ماشین‌های جدید مشمول دو سال معافیت مالیاتی هستند، از طرفی، کمپانی سازنده وقتی متوجه می‌شود ماشین‌آلات را هر دو سال یکبار عوض می‌کنیم آفر ویژه‌ای برای ما در نظر می‌گیرد، ضمناً ماشین‌ها طی دو سال ابتدائی کار خود بدون هیچ‌گونه مشکل فنی و الکترونیکی به کار ادامه می‌دهد و هیچ هزینه اضافی برآیمان ندارد.» ببینید چقدر با دنیای ما متفاوت است! شما وضعیت برق مصرفی کارخانه‌ها را مشاهده‌نماید. از اسفند گذشته تا امروز هزینه‌های تولید و رکود بازار کمرشکن شده است، هفته‌ای دو تا سه روز برق کارخانه قطع می‌شود و عملاً تولید نداریم ولی موظف به پرداخت حقوق کارگر هستیم.

به هر حال تمام عوامل دست به دست هم داده تا شاهد عدم پیشرفت صنعت نساجی کشور باشیم. اگر این موضوع را از یکی دو سال قبل برای صنایع پیش‌بینی بی‌برقی را می‌کردند، شرکت‌ها می‌توانستند با هم مشترکاً نیروگاه‌های کوچک تولید برق تأسیس میکردند و صنایع با این معضل بزرگ روبرو نمی‌شدند. مدتی پیش در جلسه‌ای که مقام مسئولی حضور داشت عرض کردم که برای من بسیار جالب است

علت دیگر موفقیت بخش خصوصی این است که در تصمیم گیری‌های اجرائی بسیا چابک عمل می‌کنند و برخلاف شرکت‌هایی مانند مخمل و ابریشم کاشان که وابستگی دولتی دارند، درگیر بسیاری از بروکراسی‌های اداری نیست لذا مراحل رشد و توسعه را به سرعت می‌پیماید.

نکته مهمی که بسیاری از بزرگان این صنعت به آن اذعان دارند، صنعت نساجی یک صنعت کارگر بر است ولی برکت زیادی برای صاحبان سرمایه به همراه می‌آورد.

مطلب پایانی...

هیچ راهی در صنعت به بن بست ختم نمی‌شود، صنعت نساجی نیز از این امر مستثنی نیست.

حتی سخت‌ترین و بدترین شرایط پیش بینی نشده‌ای که برای این صنعت پیش می‌آید، نیز گذرا هستند و با توکل به خداوند و ایستادگی در مقابل مشکلات می‌توان در مسیر رشد و توسعه حرکت کرد. جوانانی که قصد ورود به این صنعت را دارند باید در راه خود استوار باشند و عزم و اراده جدی در پیشرفت این صنعت داشته باشند.

تفضلی‌ها و لاجوردی‌ها بسیار مرارت و سختی کشیدند تا این مجموعه‌ها ایجاد و ادامه حیات بدهند. این کارخانه‌ها امانتی است که از آن بزرگواران به ما رسیده باید امانتداران خوب و مفیدی باشیم و آنها را به دست نسل بعدی خود بسپاریم.

۱- ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی: کارفرما مکلف است حق بیمه مربوط به هر ماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان بپردازد. همچنین صورت مزد یا حقوق بیمه شدگان را به ترتیبی که در آئین نامه طرز تنظیم و ارسال صورت مزد که به تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید به سازمان تسلیم نماید. سازمان حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ دریافت صورت مزد اسناد و مدارک کارفرما را مورد رسیدگی قرار داده و در صورت مشاهده نقص یا اختلاف یا مغایرت به شرح ماده ۱۰۰ این قانون اقدام و مابه التفاوت را وصول می‌نماید هرگاه کارفرما از ارائه اسناد و مدارک امتناع کند سازمان مابه التفاوت حق بیمه را رأساً تعیین و مطالبه و وصول خواهد کرد.

هیچ عنوان رنگ پس نمی‌دهند اما در پارچه‌هایی که با رنگ‌های نامرغوب تهیه می‌شوند تقریباً پشت و روی پارچه یکسان در می‌آید! از سوی دیگر کیفیت و رنگ پارت‌های مختلف رنگ‌های چینی با همدیگر متفاوت است.

برای صادرات نیز برنامه‌ای دارید؟

قطعاً صادرات در چشم‌انداز شرکت مخمل و ابریشم کاشان قرار دارد ولی با ماشین‌آلات فعلی صادرات امکان‌پذیر نیست. پس از تجهیز سالن بافندگی، باید بخشی از ماشین‌های تکمیل و رنگ‌رزی با ماشین‌آلات به روز جایگزین شود.

تا چه میزان از حضور فارغ‌التحصیلان جوان در محیط کارخانه استقبال می‌کنید؟

اهمیت بسیاری برای جوانان تازه نفس و مستعد قائل هستیم و برخلاف بسیاری از مجموعه‌های صنعتی، درب‌های کارخانه به روی علاقه‌مندان به تولید و صنعت به خصوص دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نساجی باز است. برای نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات جدید در بخش فنی و اپراتور خواهان به‌کارگیری مهندسين نساجی یا مکانیک هستیم. چون ماشین‌آلات جدید با اپراتور بیسواد نمی‌تواند کار کند.

از فعالیت در صنعت نساجی پشیمان نیستید؟

خیر... به زندگی کارمندی علاقه‌ای نداشتیم. گاهی اوقات از کار خسته شده‌ام و به فکر راه‌اندازی یک کسب و کار خصوصی آنهم باز در صنعت نساجی هستم و تا کنون هیچ‌گاه به خروج از این صنعت فکر نکرده‌ام.

آیا سرمایه‌گذاری و فعالیت در صنعت نساجی را به سرمایه‌گذاران مشتاق توصیه می‌کنید؟

قطعاً این کار را انجام خواهیم داد چون معتقدم بخش خصوصی در صنعت نساجی کشور بسیار توانمند و موفق عمل کرده است. البته ناگفته نماند که کارآفرینان در این صنعت، عاشق نوع کسب و کارشان هستند و اگر چنین نبود این همه مشکل را که گوشه‌ای از آن در بالا ذکر شد را به جان و دل نمی‌خریدند و می‌توانستند کسب و کارهای به مراتب کم‌درستر از تولید را انجام دهند.

اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی زیرمجموعه یک وزارتخانه هستند ولی آراء صادره از هیئت‌های حل اختلاف اداره کار در مورد اصلاح عنوان شغلی و سایر موارد مشابه مورد تمکین سازمان تأمین اجتماعی قرار نمی‌گیرد!!!

از سوی دیگر افزایش حقوق‌های غیرمتعارف که کارفرمایان به برخی پرسنل اختصاص می‌دهند مشمول ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی^۱ می‌شود و این سازمان براساس ماده ۳۹، حقوق را به میزان قبلی برمی‌گرداند و به کارفرما ابلاغ می‌کند و کارفرما موظف است لیست بیمه را اصلاح نماید.

بعدها که این فرد به هر دلیلی از مجموعه جدا می‌شود و برای گرفتن حق و حقوق خود به اداره کار شکایت می‌کند، اداره کار ماده ۳۹ تأمین اجتماعی را رعایت نمی‌کند و افزایش حقوقی که کارفرما مدنظر قرار داده بود، ملاک عمل محاسبه حق و حقوق وی قرار می‌گیرد!!! در این شرایط کارفرما چگونه کار کند؟ دردتش را به کدام سازمان یا مسئول بگوید؟

از طرف دیگر سازمان تأمین اجتماعی اصلاح عنوان شغلی برای کارگر شاغل را نمی‌پذیرد ولی فوراً به شکایت کارگر بازنشسته مبنی بر عدم دریافت حقوق سختی کار هنگام اشتغال رسیدگی می‌کند (چون هزینه‌ای برایش ندارد) و حکم مطالباتی به قیمت روز از طریق پیامک به مدیرعامل ابلاغ می‌کند و در صورت عدم پرداخت از تاریخ ابلاغ، مشمول جریمه دیرکرد نیز می‌شود.

مواد اولیه مورد نیاز کارخانه را از چه منابعی تهیه می‌کنید؟ داخلی یا خارجی؟

انواع نخ‌های فیلامنت، پلی‌استر-ویسکوز و پلی‌استر-پنبه را در نمرات مختلف از منابع داخلی تهیه می‌کنیم که خوشبختانه با مشکل یا محدودیت خاصی در تأمین آنها مواجه نیستیم. رنگ و مواد شیمیایی نیز عمدتاً از شرکت‌های واردکننده از چین، ترکیه و هند تهیه می‌شوند.

خرید مواد شیمیایی اروپایی به دلیل قیمت بسیار بالای آنها مقرون به صرفه نیست در نتیجه محصولاتی که با رنگ‌های چینی و ... تولید می‌شوند در بسیاری از موارد ثبات نوری، سایشی و شفافیت پایینی دارند. پارچه‌هایی که با رنگ‌های اروپایی چاپ می‌شوند به